

حیات دنیا و آخرت (بہشت و جہنم)

جزء ۲۵

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۚ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ
حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

شوری ۲۰

● علی اصغر محمدی راد



وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ، حُجَّتْهُمْ
 دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾
 اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ
 السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَإِنَّا لَالَّذِينَ
 يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ
 يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿١٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ
 الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا
 وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا
 لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ
 لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَىٰ
 الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ
 لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾



حفظ کنیم



قرائت تحقیق



﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ﴾ هرکسی محصول اخروی [و نامحدود] از کارهایش بخواهد، ﴿نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ نتیجه و محصول عملش را افزایش می‌دهیم. [پس اتصال نتیجه اخروی به عملش حفظ می‌شود و محصول عملش است. اما متناسب با همان عمل، محصول عمل را بسیار زیادتر می‌کنیم.] ﴿وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا﴾ و هرکسی محصول دنیوی از کارهایش بخواهد، ﴿نُؤْتِهِ مِنْهَا﴾ از همان دنیا یک قسمتی به او می‌دهیم. [فقط یک نتیجه دنیوی و محدود از اعمالش، هر مقداری که باشد، به او می‌دهیم.] ﴿وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ ولی از محصول اخروی هیچ سهمی نخواهد داشت! [یعنی اتصال محصول به عمل، تابع تبت هم هست و خدا تأکید می‌کند نیت دنیوی از عمل، هیچ نتیجه اخروی ندارد.]



ببینیم



بشنویم



بیاموزیم

اگر بخواهیم مرکز ثقل اندیشه رهبر انقلاب علیه السلام را در یک کلمه خلاصه کنیم، آن یک کلمه، «توحید» است. توحید به عنوان مهم‌ترین اصل و بُن‌مایه آنچه اسلام به بشر تقدیم کرده است، در اندیشه رهبر انقلاب جلوه‌گر است. اما در یک نگاه کلان می‌توان گفت: آنچه توحید را معنا می‌بخشد و کامل می‌کند، اصل معاد و قیامت است:

اولا این را توجه داشته باشید که بعد از اصل توحید، از همه اصول اسلامی بالاتر، اصل قیامت است. اگر انسان به قیامت معتقد نباشد، ولو به خدا هم معتقد باشد... همه ارسال رسل و انزال کتب و آوردن احکام لغو خواهد بود. اصلا نبوت و برنامه‌دهی بر پایه وجود زندگی بعد از مرگ است... لذاست که می‌توان گفت دومین و مهم‌ترین اصل بعد از توحید در مجموعه مکاتبات انبیا اصل قیامت، یعنی اصل معاد و زندگی بعد از مرگ است.^۱

اسلام دنیا و آخرت را مرتبط با هم می‌داند و این دورا با هم جمع می‌کند. در قبال دنیا بحث عبور را مطرح می‌کند؛ یعنی هم گوشه‌نشینی در دنیا را نفی می‌کند و هم غرق شدن در آن را. انسان باید به این وادی وارد شود و از تمام موانع عبور کند و و دیگران را نیز با خود همراه گرداند؛ چنان‌که رهبر انقلاب تقوا را به معنای وارد شدن در منطقه گناه و عبور از آن می‌داند، نه فرار و توقف؛ بنابراین شما معنای تقوا را بدانید: پرهیز در حال حرکت و مراقبت در حال حرکت، در میدان‌ها حرکت بکنید، اما مواظب باشید! از اصطکاک‌ها، از غلط رفتن راه‌ها، از وارد کردن ضایعه‌ها به خود یا دیگران و از تخطی کردن از حدودی که برای انسان معین کرده که انسان را به گمراهی می‌برد، چون جاده بسیار خطرناک و طولانی و ظلمانی است.^۲

۱. سید علی خامنه‌ای، تفسیر سوره تغابن، ص ۹۳.

۲. بیانات در جلسه هشتم تفسیر سوره بقره، دسترسی در:

با این اوصاف، همت انسان در دنیا باید در جهت کسب آخرت باشد؛ یعنی دنیا و آخرت را باید متصل و مرتبط به هم بداند؛ وگرنه در آخرت نصیبی نخواهد داشت: **﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾**^۱.

پس نقطه‌ای که اسلام را از ابتر بودن خارج می‌کند، معاد است؛ یعنی اگر انسان‌ها به عالمی فراتر از دنیا معتقد شدند که در آنجا حاصل زندگی‌شان را برداشت می‌کنند، جور دیگر خواهند زیست و اگر دنیا را مزرعه آخرت ندانند و در همین جا خلاصه کنند، حاصلی جز گردن‌کشی و ستمگری ندارند؛ چون می‌خواهند در این دنیا نهایت آرزوهای‌شان را به دست بیاورند. لذاست که یقین به آخرت، رویکرد کل زندگی یک انسان را تغییر می‌دهد و بر تمام ابعاد زندگی‌اش تأثیر می‌گذارد.

بنابر همین ارتباط وثیق دنیا و آخرت، در آیات و روایات، از بهشت و جهنم به عنوان جزای اعمال انسان‌ها یاد شده است؛ یعنی کسانی که همتشان در دنیا در جهت حق بوده، پاداششان بهشت است، و کسانی که همتشان به سمت باطل بوده، عاقبتی جز جهنم ندارند: **﴿تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾**^۲.

اگر دقت کنیم، می‌بینیم که گناه کردن در این دنیا طعم شکست دارد؛ یعنی اگرچه در هنگامی که مشغول انجام گناه هستی، لذت می‌بری، ولی بلافاصله بعد از گناه، احساس شکست و ذلت رهایت نمی‌کند؛ برخلاف حرکت در جهت حق که در هنگام انجام دادنش، سختی‌هایی متحمل می‌شوی، ولی بعد از انجام آن، احساس پیروزی می‌کنی؛ لذا می‌بینیم که قیامت را ((یوم الحسرة)) نامیده‌اند: **﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرُنِي عَلَىٰ مَا قَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾**^۳.

۱. شوری، آیه ۲۰.

۲. شوری، آیه ۲۲.

۳. زمر، آیه ۵۶.



همین احساس ذلت و حسرت که در دنیا به صورت خفیف، انسان گناه‌کار را دربرمی‌گیرد، در قیامت به شدیدترین حالت در انسان به وجود می‌آید. این همان ارتباط دنیا و آخرت است که در جاهایی از این دنیا خود را بروز می‌دهد. آیه دیگری در قرآن به همین ارتباط دنیا و آخرت پرداخته و شهدا را با آنکه از این دنیا رخت برپسته اند، زنده معرفی می‌کند: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾؛^۱ این آیه نیز به همان ارتباط حقیقی و متأثر از یکدیگر در دنیا و آخرت اشاره می‌فرماید؛ آنجا که جان‌دادگان در راه حق، انسان‌های زنده و مؤثر معرفی شده‌اند و این، نوعی اتصال دنیا و آخرت به یکدیگر است. این جملات رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام، گویای همین اتصال است: این پل صراط، پل عبودیت، پل تقوا و پل پرهیزگاری است؛ ﴿وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾؛ صراط این دنیا، همان صراط روی جهنم است. ﴿إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ که به پیغمبر می‌فرماید: ﴿وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾، همان صراط روی جهنم است. اگر اینجا ما توانستیم از این صراط، درست، بادقت و بدون لغزش عبور کنیم، گذر از آن صراط، آسان‌ترین کار است؛ مثل مؤمنین که مانند برق عبور می‌کنند.^۲

از این رو معاد و ارتباطش با دنیا، در مکتب اسلام ناب، جزء مسائل کلیدی و مهم‌ترین اصول اسلام می‌باشد.

۱. آل‌عمران، آیه ۱۶۹.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۶/۲۳، دسترسی در: